



انطباق واقعه غدیر خم با روایات ابن شهر آشوب مازندرانی و انعکاس آن بر نگارگری ایرانی

محمد علی زاده قائمیه^۱، محسن احتشامی نیا^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^{۲*} (نویسنده مسئول) استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، m.ehteshaminia@yahoo.com

چکیده

در این نوشتار، با بررسی تعدادی از روایات عصمت و امامت، مشخص شده که مهم‌ترین مستند واقعه غدیر خم و عصمت و امامت امامان (ع)، وجود نصوص قرآنی و روایاتی است که در میان امامیه بر آنها اتفاق نظر وجود دارد. با بررسی انجام گرفته، در حالت کلی می‌توان گفت وضعیت روایان بر مبنای آراء رجالیون شیعه بررسی گردیده و معلوم شد که در بیشتر سلسله سند روایات عصمت و امامت، افراد موثق قرار گرفته‌اند. البته اندکی از آنان نیز بر طبق گفته‌های رجالیون موثق نیستند، ولی از لحاظ متنی، این روایات مورد توجه قرار دارند. در بین این روایات، اکثر آنها از نوع احادیث معنعن هستند که شامل احادیث صحیح، حسن و موثق می‌باشند. در پژوهش فوق با بررسی تفسیر چند آیه‌ی موثق شرح واقعه غدیر خم و صفات امامت و ولایت علی (ع) در نظر ابن شهر آشوب مازندرانی، به تجلی این واقعه در نسخ مصور عصر ایلخانی و صفوی می‌پردازیم. بررسی محتوایی و محور غالب این آیات و احادیث، فضایل و صفاتی است که یک فرد معصوم ضرورت دارد که داشته باشد؛ از جمله این صفات: معصوم بودن از گناهان، امین خدا بودن، مطهر از ذنوب و عیوب و انفاق در همه حالات. با بررسی‌های انجام شده در نگارگری ایرانی، که همواره مضامین دینی و مذهبی مورد توجه نگارگران بوده، شاهد نگرش خاصی هستیم. در نگاره‌ها با کمک عناصر بصری، شأن ولایت و امامت حضرت علی (ع) نشان داده شده است و معمولا این واقعه در فضایی باز و فراخ به نمایش گذاشته اند گویی که شاهدان این واقعه نیز برای اثبات این امر حضور دارند.

اهداف پژوهش:

۱. ابن شهر آشوب، چگونه و در چند بخش روایت غدیر خم را نقل کرده است و انطباق آن با آیات و سندهای در دسترس به چه صورت است.
۲. روایات واقعه غدیر خم در نگارگری چگونه انعکاس یافته است.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا ابن شهر آشوب با ذکر و تفسیر آیات و روایات غدیر خم به سند آن‌ها توجه داشته است؟
۲. انعکاس روایت غدیر خم در نگارگری ایرانی چگونه بوده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۸

دوره ۱۶

صفحه ۲۸۲ الی ۲۹۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

غدیر خم، امامت، روایت، ابن شهر آشوب، نگارگری.

ارجاع به این مقاله

علی زاده قائمیه، محمد، احتشامی نیا، محسن. (۱۳۹۹). انطباق واقعه غدیر خم با روایات ابن شهر آشوب مازندرانی و انعکاس آن بر نگارگری ایرانی. هنر اسلامی، ۲۹۹-۲۸۲، (۳۸)، ۱۶.

doi dx.doi.org/10.22034/IAS
۲۰۲۰.۲۰۳۶۸۲.۰۴۴/

مقدمه

پیرامون واقعه غدیر، منابع و آثار متعددی وجود دارد که یکی از معتبرترین این منابع اثر ابن شهر آشوب است. ابن شهر آشوب در اثر خود به نام متشابه القرآن و مختلفه در ۱۰ باب و هر باب در چندین فصل و در حدود ۲۰۰ روایت تفسیری آمده است. در فصل النبوات این مجموعه، ۳۷ فصل و در باب الامامه، ۲۴ فصل وجود دارد که روایات آن به این صورت آمده است. شاخصه‌ی اصلی تفسیر متشابه القرآن و مختلفه، استفاده از قرآن به عنوان منبع اصلی تفسیر است. در این تفسیر، آیات با توجه به زمینه‌هایی که در فصول مختلف و همچنین باب‌های آن وجود دارد تفسیر شده است و بعد از آن جهت ایجاد هماهنگی بین آیات و روایات تفسیری، بیان می‌شود که نشان از توجه جدی ابن شهر آشوب به مسئله سنت است. مطالعه مضامین موجود در نگارگری ایرانی نشان می‌دهد بخشی از آن انعکاسی از واقعه غدیر به عنوان یکی از رویدادهای مهم در فرهنگ شیعه است. ضرورت پرداختن به این تحقیق از آنجا آشکار می‌گردد که ابن شهر آشوب به عنوان یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی است که در اثرش به این رویداد اشاره کرده است لذا بررسی تطبیقی این روایات با نگارگری ایرانی می‌تواند روشنگر نکات مهمی از جایگاه این رویداد در فرهنگی ایرانی باشد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان نگاشته نشده است. با این حال آثاری به صورت اختصاصی به بحث تشیع در نگارگری ایرانی پرداخته‌اند. مهدی زاده در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی روند تجلی مضامین شیعی در نگارگری ایرانی» به بررسی جایگاه مضامین شیعی در نگارگری ایرانی پرداخته است. او به این نتیجه رسیده است که ظهور مفاهیم و مضامین مورد علاقه شیعه در نگارگری ایران یکسان نبوده است و مهم‌ترین وجه این نگاره‌ها را بایستی در نوع روایت و نظرگاه نهفته در آنها دانست. نویسنده در این اثر به بررسی سیر مفاهیم شیعی در نگارگری ایرانی پرداخته است (مهدی زاده، ۱۳۹۶: ۳۱). البته در این اثر تأکیدی بر حادثه غدیر وجود ندارد و بیشتر مضامین شیعه مورد نظر مؤلف قرار دارد.

در این تحقیق به بررسی سندی و متنی تعدادی از روایات مرتبط به واقعه غدیر خم در کتاب متشابه القرآن و مختلفه ابن شهر آشوب اشاره شده است. این مقاله به طور مشخص به این موارد اشاره دارد و انعکاس این واقعه در نگارگری ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. بسیاری از نسخ نگارگری ایران همواره حاوی مضامین شیعی و دینی بوده است که از این جمله می‌توان به تصاویری اشاره کرد که به واقعه غدیر خم اختصاص یافته است.

۱. واقعه غدیر خم

واقعه غدیر از رویدادهای مهم در تاریخ صدر اسلام است که باعث ایجاد تنش‌ها و اختلافات متعددی بین شیعیان و اهل سنت شده است؛ لذا بازتاب و چگونگی نقل کرده این واقعه دارای اهمیت است. مطالعه چگونگی این رویداد نشان می‌دهد که نقطه آغاز این اختلاف به واقعه غدیر باز می‌گردد. پیرامون این رویداد باید گفت سال وقوع آن، آخرین سال حیات پیامبر (ص) است. پیامبر در آخرین حج خود در سال ۵۱۰ ه. در مسیر بازگشت از مراسم حج در

غدیر خم، مردم را به اجتماع فراخواند. طبق دستور پیامبر بیش از یکصد و بیست هزار نفر همراه ایشان برای اجتماع حرکت کردند. پیامبر زمانی که جمعیت به غدیر خم رسید فرمودند: «ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید، من فرستاده خدایم». این کنایه از آن بود که وقت ابلاغ پیام بسیار مهمی فرا رسیده است (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۲). کلام پیامبر گویای یادآوری موقعیت ایشان در جامعه اسلامی است و نقش و مسئولیتی که در برابر جامعه بر عهده دارد.

پیرامون مکانی که این واقعه اتفاق افتاد باید گفت: درباره موقعیت جغرافیایی غدیر خم باید گفت، غدیر خم محلی در جحفه در ۲۵۰ کیلومتری از مکه قرار دارد و منابع تاریخی و جغرافیایی، همه حکایت از آن دارد که جحفه، سه راهی است بین مکه و مدینه و مسیر ارتباطی مکه، مصر، عراق و شام است (حاجی اسماعیلی و کیانی، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۴). اعلام وصایت، خلافت و ولایت حضرت علی (ع) در روز غدیر به صورت آشکارا اعلام گردید. واقعه غدیر در واقع روز اعلام رسمی و علنی مسئله جانشینی در حضور بیش از صد هزار مسلمان حاضر در غدیر خم اتفاق افتاد. پیامبر اکرم در سال دهم هجرت در راه بازگشت از آخرین سفر خود به خانه خدا، یعنی «حجه الوداع»، آخرین وظیفه خود را که همان اعلام ولایت بود، به سرانجام می رساند. جبرئیل آیه ۶۷ سوره مائده را از جانب خداوند متعال بر پیامبر (ص) ابلاغ کرد. پس گفته شده: ای پیامبر آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت خود را انجام نداده ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ میکند (نعمتی قزوینی، جدیدی، ۱۳۹۸: ۱۱۰). پیامبر (ص) پیام خدا را این گونه برای مردم اعلام کرد: «به راستی علی ابن ابی طالب، وصی و جانشین و امام بعد از من است. کسی که نسبت به من همانند نسبت هارون به موسی است، جز اینکه پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسول می باشد... هر کس من صاحب اختیار اویم، این علی صاحب اختیار اوست» (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۱). اینگونه بود که واقعه غدیر در تاریخ اسلام شکل گرفت و مسیر جدیدی برای جامعه اسلامی آغاز گردید.

پیرامون حدیث غدیر و تفسیر آن نظریات متعددی وجود دارد که برخی در رد و برخی در تأیید آن است اما باید گفت: حدیث غدیر مربوط به روز ۱۸ ذی الحجه، بعد از خروج از مکه است. پس حدیث غدیر تنها مربوط به اعلام وصایت حضرت علی (ع) است و در تاریخ غیر از این ذکر نشده است (حاجی اسماعیلی و کیانی، ۱۳۹۳: ۲۶). بنابراین می توان گفت حدیث غدیر درباره مسئله جانشینی پیامبر و وصایت علی (ع) بوده است.

۲. روایات ابن شهر آشوب مازندرانی در خصوص غدیر خم

ابن شهر آشوب در کتاب متشابه القرآن سند روایت را ذکر نمی کند اما ایشان در ذیل مباحث خود قبل از بیان روایت، اشاره می کنند که اکثر افراد از جمله: احمد بن حنبل، ابن بطّه و ابوبکر بن مالک و غیره آن را در کتب خود نقل کرده اند. و بعد ایشان به ذکر روایت می پردازند: «ألستم تزعمون أئی أولى بکم من أنفسکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله، قال: فمن كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله». فقال

حسان بن ثابت الأنصاری: یا رسول الله أتأذن لی أن أقول أبیاتا؟ قال: قل علی برکة الله تعالی، فقال حسان أبیاتا منها: ینادیهم یوم الغدیر نبیهم * بخم وأسمع بالنبی منادیا إلی أن قال: فقال له قم یا علی فإینی * رضیتک من بعدی إماما وهادیا هناک دعا اللهم وال ولیه * وکن للذی عادی علیا معادیا (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۴۸۴/۱). با بررسی که در زمینه این روایت انجام شده است، محمد صالح مازندرانی در شرح اصول کافی، طُرُق مختلفی که این روایت نقل شده است اشاره می کند و در بعضی از موارد آن که مثلا از (ابن عقده) نام برده است، ابن شهر آشوب نیز به آن اشاره دارد که این فرد از جمله کسانی است که گفت: این آیه در مورد علی (ع) نازل شده است (همان). علامه امینی (ره) در کتاب ارزشمند خود؛ الغدیر در نقل سلسله سند روایی این روایت از ابن عبدالبر و ابن کثیر بیان می کند که آن ها از طریق نسایی از (زید بن ارقم) نقل کرده اند که تاکید بر این دارند، این روایت حدیث صحیح می باشد (علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ۳۵/۱). با بررسی که انجام شده است، زید بن ارقم نیز از اصحاب پیامبر (ص) می باشند (خوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۴۳/۸).

با تفکر و تعمق و دقت در خود آیه شریفه و بدون کمک گرفتن از امور دیگر، پاسخ همه سؤالات روشن می شود؛ به شرط آن که منصفانه و به دور از تعصب قضاوت کنیم؛ زیرا اولاً: آیه مورد بحث، آیه ۶۷ سوره مائده است و می دانیم که سوره مائده آخرین سوره، یا از آخرین سوره هایی است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گشته است. یعنی این آیه در سال دهم بعثت، در آخرین سال زندگی آن حضرت، و بعد از ۲۳ سال تبلیغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است.

سؤال: راستی، چه چیزی پس از ۲۳ سال و تا آخرین سال های عمر پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز بطور رسمی مطرح نشده است؟ آیا این مسأله مهم مربوط به نماز است، در حالی که مسلمانان بیش از ۲۰ سال نماز می خواندند؟ آیا مربوط به روزه است، در حالی که روزه پس از هجرت واجب شد و قریب به ۱۳ سال از تشریح آن می گذشت؟ آیا مربوط به تشریح جهاد است، جهادی که از سال دوم هجرت شروع شده بود؟ آیا در رابطه با حج است؟ پاسخ: نه! انصاف این است که مربوط به هیچ یک از امور مذکور نیست! باید دید که بعد از ۲۳ سال زحمت طاقت فرسای پیامبر صلی الله علیه و آله، چه مسأله مهمی بر زمین مانده است؟

ثانیاً: از آیه شریفه استفاده می شود که این مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله بقدری مهم و خطیر است که همسنگ و همطرز نبوت است. احتمالاتی که برخی از دانشمندان داده اند و اموری که در سطور قبل به آن اشاره شد هر چند مهم هستند، ولی هیچ یک از آنها همطرز رسالت و نبوت نمی باشد. باید بیندیشیم که چه امر مهمی که همطرز رسالت است پس از ۲۳ سال هنوز انجام نشده است؟

ثالثاً: ویژگی دیگر این مأموریت این است که عده ای با آن مخالفت می کنند و مخالفت آنها بقدری جدی و شدید است که حاضرند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را از سر راه بردارند، مسلمانان که با نماز و روزه و حج و جهاد و مانند آن مخالفتی نداشته اند، پس حتماً این مأموریت، یک مسأله سیاسی است و عده ای برای مخالفت با آن، کمر به مبارزه بسته اند و حاضرند در این راه در مقابل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم بایستند! و هنگامی که تمام این جهات را

نظر می‌گیریم و بیطرفانه و منصفانه بر روی آن مطالعه می‌کنیم و بدور از تعصب و لجاجت به قضاوت می‌نشینیم، به چیزی جز مسأله ولایت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که در غدیر خم به صورت رسمی مطرح شد نمی‌رسیم.

آری! چیزی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا سال آخر عمر شریفش بطور رسمی آن را بیان نکرده بود و همسنگ و همطرز رسالت و نبوت خاتم الانبیاء بود و عده زیادی برای مبارزه با آن هم قسم شده بودند و خداوند برای حفظ پیامبر صلی الله علیه و آله در اجرای این مأموریت تضمین داده بود، همان مسأله مهم و سرنوشت‌ساز جانشینی پیامبر بود، زیرا هر چند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسأله ولایت علی علیه السلام را بارها مطرح کرده بود ولی به صورت رسمی و در حضور مسلمانان سراسر جهان بیان نشده بود؛ بدین جهت، این مأموریت عظیم و بزرگ به هنگام بازگشت آن حضرت از حجّه الوداع و در صحرای غدیر خم به بهترین شکلی انجام شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با معرفی علی علیه السلام به عنوان جانشین خویش، رسالتش را تکمیل کرد (مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ۱۳۸۶: ۳۰).

سندی و متنی روایات در ذیل آیه (وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) (التحریم: ۴)

الف: بررسی سندی آیه و روایت

ابن شهر آشوب در ذیل آیه (وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ) (الکهف: ۲۹) آیات مختلفی را در بیان اینکه در ارتباط با علی (ع) می‌باشند را نقل می‌کند و روایات در ذیل هر یک از آن‌ها نیز بیان می‌کنند نکته‌ای که در این موارد حائز اهمیت می‌باشد آن است که اگر چه ابن شهر آشوب روایت را که نقل می‌کند سند نقل آن را از افراد مختلف نیز بیان می‌کند اما جهت تایید نظر خود در پایان آن روایات این مطلب را نیز بیان می‌کند که عباراتی از جمله اجماع امامیه آن را تقویت می‌کند و یا اجماع اهل بیت نیز بر آن تأکید دارد بر مطالب و روایات نقل شده صحه می‌گذارند. به عنوان مثال، ابن شهر آشوب در ذیل آیه (وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ) (التحریم: ۴) که می‌گوید منظور از آن، علی (ع) است و طرق مختلف آن را از اسماء بنت عمیس و ابن عباس و غیره نقل می‌کند بدون اینکه اشاره‌ای به ذکر تمام روایت را داشته باشد. با بررسی که در کتب تفسیر به خصوص تفسیر فرات انجام شد طرق مختلف آن اشاره شده است از جمله:

طریق اول: فرات قال: حدثنا الحسين بن الحكم [قال: حدثنا الحسن بن الحسين عن الحسين بن سلمان عن سدير الصيرفي]. عن أبي جعفر عليه السلام قال: لقد عرف رسول الله [صلى الله عليه وآله وسلم] علياً أصحابه مرتين: مرة حيث قال: من كنت مولاه فعلى مولاه [اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله] وأما الثانية حين نزلت هذه الآية (فان الله هو مولاه وجبريل وصالح المؤمنين) إلى آخر الآية أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بيد علي فقال: أيها الناس هذا صالح المؤمنين (كوفي، ۱۴۱۰: ۴۹۳).

طریق دوم: قال: حدثني أحمد بن الحسن بن إسماعيل بن صبيح معننا: عن مجاهد في قوله: (صالح المؤمنين) [قال: علي بن أبي طالب عليه السلام. قال: حدثني جعفر بن محمد الفزاري معننا: عن ابن عباس رضي الله عنه في قوله: (وصالح المؤمنين) قال: علي وأشباهه (همان). طریق سوم: قال: حدثني علي بن الحسين القرشي معننا: عن

ابن عباس رضی الله عنه فی قوله: (وصالح المؤمنین) قال: هو علی بن أبی طالب علیه السلام (همان). **طریق چهارم:** فرات قال: حدثنا الحسین بن الحكم [قال: حدثنا حسن بن حسین قال: حدثنا حبان عن الكلبي عن أبی صالح]: عن ابن عباس رضی الله عنه فی قوله: (وإن تظاهرا علیه) نزلت فی عائشة و حفصة (فان الله هو مولاها) نزلت فی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم (وجبریل و صالح المؤمنین) نزلت فی علی بن أبی طالب علیه السلام خاصة (همان).

طریق پنجم: قال: حدثنی الحسین بن سعید معننا: عن أسماء بنت عمیس قالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم يقول فی هذه الآية: (فان الله هو مولاها وجبریل و صالح المؤمنین) قال: علی بن أبی طالب [علیه السلام] صالح المؤمنین (همان). در این طرق ذکر شده به یک نکته توجه می شود و آن است که در تفسیر فرات، خود اشاره به معنن بودن سند آن کرده است. در یکی از موارد با بررسی که در بحار الانوار شده است مشخص می شود که سند در طریق پنجم که ذکر شد در مواردی به صورت انقطاع نیز وجود دارد که در مورد سند ذیل وجود دارد؛ چرا که از ابوبکر بن مردویه نقل شده (باسناده)، که این مورد گواه بر این ادعاست. وَ رَوَى أَبُو بَكْرٍ بْنُ مَرْدَوَيْهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي هَذِهِ آيَةِ: (فان الله هو مولاها وجبریل و صالح المؤمنین) قال: علی بن أبی طالب [علیه السلام] حتى اهل سنت این موارد را نیز بیان کرده اند از جمله عسقلانی در (فتح الباری) و متقی هندی در (کنز العمال) و دیگر محدثان اهل سنت به این مهم اشاره دارند که صحیح بودن این روایت بیشتر مورد بحث و توجه قرار می گیرد. ب: بررسی متنی در زمینه روایات آیه (و صالح المؤمنین) (التحریم: ۴). بدون شک (صالح المؤمنین) معنای وسیعی دارد که همه مؤمنان صالح و با تقوا و کامل ایمان را شامل می شود، هر چند صالح در اینجا مفرد است، و نه جمع ولی چون معنی جنسی را دارد از آن عمومیت استفاده می شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۲۸۰). علامه طباطبایی در تفسیر خود می فرماید: منظور از (صالح المؤمنین)، صلحای از مؤمنین است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹ / ۳۳۲). (صالح المؤمنین) همه افراد با ایمان شایسته و صالح و درستکار را شامل می شود که یارو پیامبرند، نه تنها اصحاب و یاران صالحی که در عصر او بودند بلکه از یک نظر مؤمنان صالح قرون و اعصار دیگر را نیز در بر می گیرد، که هر کدام به نوعی به یاری اسلام و پیامبر (ص) و مکتبش بر می خیزند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ج ۹ / ۲۹۷). ولی مهم اینجاست که در روایات متعددی (صالح المؤمنین) به علی (ع) تفسیر شده است و نشان می دهد که او برترین و کاملترین مصداق این آیه است و با توجه به اینکه در کنار جبرئیل قرار گرفته، عظمت مقام او و اهمیت این فضیلت به خوبی آشکار می شود (همان). بعد از خداوند و جبرئیل امین، برترین یار و یاور پیامبر (ص) در تمام طول عمر، علی (ع) بود. بنابراین چه کسی جز او می تواند شایسته خلافت و جانشینی او باشد؟ آیا این روایات دلیل بر این نیست که او افضل امت و برترین خلق بعد از پیامبر اکرم (ص) بوده است (همان). با توجه به بررسی های سندی و متنی روایات در ذیل آیه، به صحیح بودن روایات می توان اشاره کرد.

(الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) (البقره: ۲۷۴)

الف: بررسی سندی روایت و آیه

بحرانی در کتاب خود به چهار طریق در زمینه این آیه اشاره دارد که به این چهار طریق اشاره می‌کنیم.

طریق اول: ابن بابویه قال: حدثنا محمد بن عمر بن محمد بن الجعابی قال: حدثنا أبو محمد الحسن بن عبد الله بن محمد بن العباس الرازی التمیمی قال: حدثنی أبي قال: حدثنی سیدی علی بن موسی الرضا (علیه السلام) عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين (علیه السلام) قال: " قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) " ذكر کرد حدیثی را و سپس فرمود: (الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية) در مورد علی (ع) می‌باشد (بحرانی، بی تا: ج ۴ / ۲۸-۲۹).

طریق دوم: عیاشی با سندی از طریق ابی بصیر نقل می‌کند که به امام صادق (ع) فرمودم: منظور از آیه (الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية) چیست؟ امام (ع) فرمودند: منظور زکات نمی‌باشد. که ایشان در روایت دیگری منظور از آیه را علی (ع) می‌دانند و این روایت را بیان می‌کنند: قال کان لعلی بن أبی طالب (علیه السلام) أربعة دراهم لم یملک غیرها فتصدق بدرهم لیلا وبدرهم نهارا وبدرهم سرا وبدرهم علانیه فبلغ ذلك النبی (صلى الله عليه وآله) فقال: " يا علی ما حملک علی ما صنعت؟ " قال: " إنجاز موعود الله فأنزل الله " (الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية) (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۵۱) تا پایان آیه آن را بیان می‌کند.

طریق سوم: الشیخ المفید فی (الاختصاص) یاسناده قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): " يا علی ما عملت فی لیلتك؟ " قال: ولم یا رسول الله؟ فرمد: چهار معنا در مورد تو نازل شد: بأبی أنت وأمی کانت معی أربعة دراهم فتصدقت بدرهم لیلا وبدرهم نهارا وبدرهم سرا وبدرهم علانیه " قال: فإن الله أنزل فیک (الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية) فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون) (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱ / ۵۵۲). **طریق چهارم:** طبرسی در مجمع البیان در ذیل تفسیر این آیه سبب نزول آن را از ابن عباس بیان می‌کند و می‌فرماید: این آیه در مورد علی (ع) نازل شد. کانت معه أربعة دراهم فتصدق بواحد لیلا وبواحد نهارا وبواحد سرا وبواحد علانیه، طبرسی می‌گوید: و آن از ابی جعفر و ابی عبدالله (علیهما السلام) روایت شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۷۷). با بررسی که نسبت به سند روایات آیه ذکر شده و در این بخش مورد توجه گرفت؛ به این نتیجه می‌رسیم که با ذکر این طُرُق بسیار این روایت قابل توجه می‌باشد و سند آن اگر چه در مواردی مثلا اینکه طبرسی از ابن عباس نقل می‌کند، از اتصال برخوردار نیست اما این روایت در کتب حدیثی مختلف بیان شده و در نهایت از امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) روایت می‌کنند. در حدیثی که از ابن بابویه بیان شده است بر اساس توجه‌ایی که به سند آن می‌شود عبارت (حدثنی ابی) در بعضی از نسخ وجود ندارد و احتمالا اتباهی شده باشد اما حدیث از اتصال برخوردار است. علامه طباطبایی در تفسیر خود در ذیل بررسی این آیه، اشاره کرده است که این روایات در ارتباط با علی (ع) به صورت صحیح وارد شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۶ / ۹).

ب: بررسی متنی آیه و روایت (الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) (البقره: ۲۷۴)

در مجمع‌البیان از ابوذر و اوزاعی نقل شده که این آیه در مورد انفاق اسبان در راه خدا نازل گشته است و بعضی گفته‌اند این آیه عمومیت دارد و هر کسی به این کیفیت در راه خدا انفاق کند مشمول آن خواهد بود. بنا براین، ما می‌گوئیم این آیه نخست درباره علی (ع) نازل گشت و هر کسی به این نحو انفاق کند مشمول حکم آن نیز می‌باشد ولی چون علی (ع) بر همه سبقت داشته است دارای فضیلت بیشتری می‌باشد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳/ ۱۷۸). سپس خداوند کیفیت انفاق و پاداش آن را یادآوری می‌کند (الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) آنان که مالهای خود را در شب و روز پنهان و آشکارا انفاق می‌نمایند یعنی در تمام حالات انفاق می‌کنند زیرا صدقات وقتی غیر از این اوقات ندارند (فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ) (پاداش آن‌ها نزد خداست) وجه اینکه حرف (فاء) در (فلهم) در اینجا آمده اینست که برساند پاداش در اثر انفاق در اطاعت خدا بدست می‌آید (وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ) خوف‌ها و وحشت‌های قیامت بر آنها نیست (همان).

با توجه به این آیه و آیات دیگر، علامه طباطبایی در مواردی که به صورت صحیح روایت وارد شده است بر اساس دلالی آیاتی را مطرح می‌کند که صیغه‌های جمع می‌تواند برای افراد خاص اشاره داشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۶). بنابراین بر اساس ذکر آیه و روایات ذیل آن در کتاب متشابه‌القرآن و مختلفه به این نتیجه می‌رسیم که ابن شهرآشوب به صحت روایات ذکر شده در کتاب خود به صورت صحیح اهمیت داده‌اند و اگر چه خودشان به نقل سند نپرداخته‌اند اما با بررسی در مجموعه کتب روایی و تفسیری به این مهم توجه شده است. ابن شهرآشوب در بسیاری از موارد در ذیل روایات خود تأکید بر آن دارد که اجماع امت، اجماع امامیه و اجماع مفسرین و یا محدثین بر آن اتفاق نظر دارند و این خود دلیل بر صحیح بودن اسناد با توجه به مورد بررسی قرار گفتن آن اسناد نیز می‌باشد.

به عنوان مثال ابن شهرآشوب در ذیل آیه (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) (رعد: ۷) می‌فرماید: (أنا المنذرُ و الهاديُّ علی). که آن را حذیفه و ابن عباس و ابوبرزه و ابوهریره روایت کرده‌اند. و همچنین ضحاک و زجاج و ابن جبیر و ابن المسیب و غیره آن را نقل کرده‌اند که ابن شهرآشوب در پایان نکته‌ایی را بیان می‌کنند که خارج از این نقل‌ها می‌باشد و می‌فرماید: اجماع امامیه آن را تقویت می‌کند (ابن شهرآشوب، ۱۳۹۳: ۵۰۵/۱). بنابراین ابن شهرآشوب با بیان این نوع از موارد صحت و سقم روایات را کاملاً بیان می‌کند. همچنین در ذکر مثال دیگر اینکه ابن شهرآشوب در ذیل آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) (الأحزاب: ۳۳) می‌فرماید: مفسرین و محدثین، اجماع دارند که این آیه در مورد اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است (ابن شهرآشوب، ۱۳۹۳: ۵۴۴/۱). و با توجه به سند روایات ذیل این آیه در ارتباط با اهل بیت (علیهم السلام) در کتب مختلف چه اهل شیعیه و چه اهل سنت به صورت کامل وجود دارد. نکته دیگری که در ارتباط با اسناد قابل توجه می‌باشد و خود ابن شهرآشوب به آن اهتمام داشته است؛ این است که روایتی اگر صحت نداشته باشد و مخالف با اجماع باشد خود در مورد افراد قرار گرفته و یا در آن زمینه اظهار نظر کرده‌اند را بیان می‌کند.

ابن شهر آشوب در ذیل آیه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا) (آل عمران: ۳۳) روایاتی را در زمینه اینکه از پیامبر (ص) نقل شده است که تعداد ائمه (علیهم السلام) را دوازده نفر می دانند؛ از کتب مختلف نقل می کنند و یا طرق روایی آن را ذکر کرده اند مخصوصاً در ارتباط با طرق روایی آن از ۲۲ طریق نام می برد و در کتاب خود به صورت کامل از آن ها یاد می کند و کمتر جایی است که ایشان به ذکر طرق به صورت کامل اشاره داشته باشند. مثلاً ایشان در ارتباط با این روایت می فرمایند: و من رواه النص علیهم ما حدثنی جماعهً بأسانیدهم عن سلیمان بن قیس الهمدانی و ابي حازم الأعرج و السائب بن ابي أوفی.....، و روی محمد بن عمار و أبو الطفیل... که تا پایان ۲۲ طریق را ذکر می کند و در قسمت آخر می گوید همه آن ها از پیامبر (ص) نقل شده است و همه در اینکه ائمه دوازده نفر بودند در این روایات اتفاق نظر دارند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۱/ ۵۳۳). که این امر نشان می دهد که ایشان توجه به طرق مختلف روایت کردن احادیث را بسیار اهمیت می دانند.

در بعضی از موارد ابن شهر آشوب در ارتباط با یک روایت خود تأکید بر صحت آن روایات می کند. به عنوان مثال ایشان در ذیل آیه (إِنِّي أُرِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ) (الصفافات: ۱۰۲) می فرماید: مردم در مورد آن فرد ذبح شده اختلاف دارند که آن را جماعتی، اسماعیل گفته اند و صحیح آن است که آن فرد ذبح شده، اسماعیل می باشد. ایشان در پایان اشاره به اینکه این روایت صحیح از امام باقر و امام صادق و امام رضا (علیهم السلام) نقل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۱/ ۳۸۰). با بررسی نسبت به این بیان، توجه به سلسله سند ذکر شده در ذیل می شود که از امام رضا (ع) نقل شده است. حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد الكوفي قال: حدثنا علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه قال: سألت أبا الحسن علي - < صفحه ۵۶ > ابن موسى الرضا عليهما السلام عن معنى قول النبي صلى الله عليه وآله: أنا ابن الذبيحين قال: يعني إسماعيل ابن إبراهيم الخليل عليهما السلام (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۶).

۳. نگارگری ایرانی

نگارگری ایرانی دارای پیشینه طولانی در تاریخ ایران است. ریشه های نگارگری در ایران به عهد باستان و مانویان می رسد. به نظر میرسد هنر طراحی ایرانی در دوره اسلامی از سنت نقاشی قدیمی از هنر مانویان رشد و نمو یافته است (کتاب ماه هنر، ۱۳۸۷: ۲). در قرون اولیه اسلامی منابع چندان اشاره ای به هنر نقاشی و نگارگری در ایران ندارند و آثار مهمی نیز از این دوره بر جای نمانده است. جامعه ایران از دوره ایلخانی و در قرن هشتم هجری مجدداً از نظر نقاشی و نگارگری به مرحله ای از رشد رسید. در طول حکومت مغولان (ایلخانان و جلاپریان)، آل اینجو و آل مظفر، نگارگری ایرانی به مراحل تکامل خود نزدیک شد. به طوری که در کارگاه های سلطنتی آنان نقاشان عمده به کار گماشته شدند و نگارگری تا رسیدن به دوران طلایی خود فاصله ای نداشت. در دوره تیموری، نگارگری به رونقی زیادی رسید. این هنر در دوره تیموری نه تنها تقلیدهای هنری و سبک های نقاشی چین را که از عصر مغول وارد ایران شده بود مورد اقتباس قرار داد بلکه در مسیر

تکاملی خود سرانجام استقلالی را نمایان ساخت که منعکس کننده روح هنر ایرانی بود و به همین سبب است که عصر تیموری را دوره طلایی هنر نقاشی ایران دانسته‌اند (زرین ایل، کارگر جهرمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). در دوره ایلخانان مغول رونق زیادی یافت و هنرمندانی چون احمد موسی و شمس‌الدین از این افراد بودند. هنرمندان ایرانی در دوره آل‌جلایر در قرن هشتم در حوزه نگارگری حرکت پر آهنگی را شروع کردند. تعدادی از نسه خطی از این دوره در دست است که توسط هنرمندانی چون استاد جنید و عبدالحی کار شده است (کتاب ماه هنر، ۱۳۸۷: ۳). بنابراین به نظر میرسد رد این دوره ارتباط نزدیک با چین و فرهنگ چینی تأثیر مهمی در رونق مکتب نگارگری در ایران داشته است.

از اوایل سده هشتم هجری کارگاه‌های شیراز تحت حمایت امیران اینجو فعالیت وسیعی را در مصورسازی متون ادبی و خصوصاً شاهنامه آغاز کردند. نسخه شاهنامه که اکنون در کتابخانه دولتی شهر پترزبورگ نگهداری می‌شود حاوی پنجاه و دو تصویر است. تاریخ توین این نسخه ۷۴۰ ه.ق است (پاکباز، ۱۳۸۷: ۶۸). عصر طلایی نگارگری در دوره تیموریان و در هرات به دست هنرمندان این دوره آغاز شد. امروزه در موزه‌های جهان آثاری بی‌مانند از دوره تیموریان وجود دارد. آثاری که از لحاظ زیبایی و رنگ آمیزی و دقت در جزئیات بی‌نظیرند (زکی، ۱۳۶۳: ۱۰۰). در کارگاهی که شاهرخ تیموری بنا کرد نقاشان به کار مصورسازی متون تاریخی مشغول شدند. تصاویر نسخه‌های زمان او شیوه نگارگری عهد ایلخانان را به یاد می‌آورند، زیرا الگوی اغلب آنها جامع‌التواریخ رشیدالدین بود (پاکباز، ۱۳۸۷: ۷۱). معراج پیامبر یکی از مضمون‌هایی است که در نگارگری این دوره دیده می‌شود و در نسخ معراج‌نامه موجود است (بینیون، ۱۳۶۷: ۱۶۱؛ پاکباز، ۱۳۸۷: ۷۱). هنرمندان این دوره هنر نگارگری ایرانی را به سویه‌ای هنرمندانه در نسخ خطی در شاهنامه بایسنقری و شاهنامه طهماسبی، خمسه نظامی خلق کردند. در اوایل شده یازده. هنر نگارگری به وسیله رضا عباسی به کما رسید. هنر نگارگری هنرمندان دوره قاجار در مقایسه با هنر دوران افشار و زند تحرک بیشتری پیدا کرد (کتاب ماه هنر، ۱۳۸۷: ۳). مطالعه نگارگری ایرانی و مضامین آن نشان می‌دهد که محتوای آن از مضامین سیاسی تا مذهبی متغیر بوده است.

۴. انطباق واقعه غدیر خم با روایات ابن شهر آشوب در نگارگری ایرانی

واقعه غدیر، اصلی‌ترین رویدادی است که شیعیان برای جانشینی حضرت علی (ع) به آن استناد می‌کند و از این نظر تصویرسازی چنین رویدادی موضوع قابل توجهی است. مضامین شیعی همواره در ادوار مختلف نگارگری ایرانی مورد توجه نقاشان بوده است توجه به رخدادهای دینی نیز از جمله موضوعاتی است که هنرمند نگارگر به مدد عنصر خیال و فضا به بیانگری آن پرداخته است. واقعه غدیر خم، به عنوان یک رویداد دینی یک موضوع قابل توجهی میان شیعیان بوده نگارگر شیعی در دوره‌های مختلفی بدان پرداخته است. به عنوان مثال، حاکمان

شیعه ایلخانی با سفارش نسخ خطی اندیشه دینی و مذهبی خود را تقویت می‌بخشیدند و البته تعدادی از محققان و دانشمندان شیعه چون خواجه نصیرالدین طوسی و شاگردش علامه حلی، حکمت الهی شیعی را در زمان ایلخانان بنیاد نهادند. اولجایتو حاکم شیعی ایلخانی در این دوره با فرمان کتابت و مصورسازی برخی نسخ از جمله آثار الباقیه بیرونی تلاشی ستودنی در ارتباط مضامین مذهبی و نقاشی ایرانی داشت. مضامین عمده نسخ مصور این دوره علمی و تاریخی مذهبی بوده است. پس از رونق گرفتن نقاشی ایرانی در دربار ایلخانی و بویژه تیموریان بار دیگر در عصر صفوی، تصویرسازی متون مرتبط با وقایع تاریخی و دینی همانند آنچه در مورد تصویر سازی نسخ دیگر در قرن نهم هجری اتفاق افتاده بود، مورد توجه قرار گرفت. زیرا شاه اسماعیل اول ضمن حمایت از رشد و انتشار نظریات تصوف در اواخر حکومتش، شیعه را مذهب رسمی اعلام کرد (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۲۶).

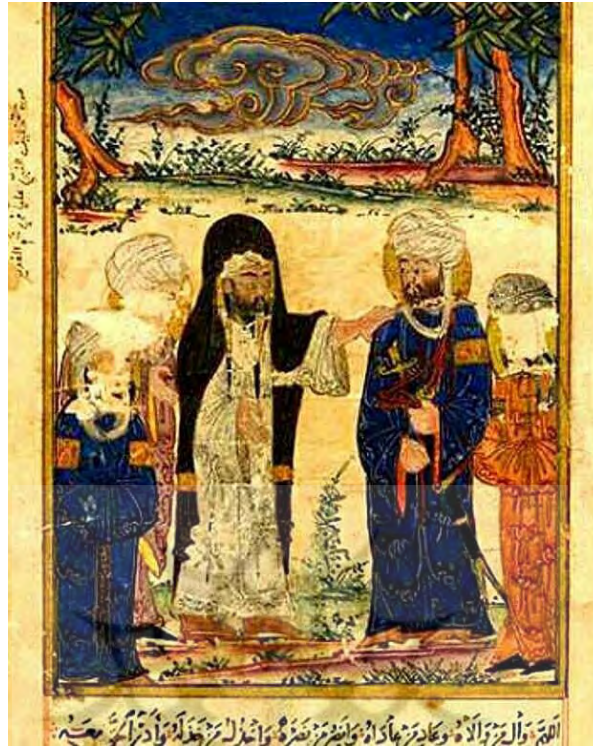
واقعه غدیر خم که در رابطه با جانشینی پیامبر اسلام (ص) است در شرح احادیث بسیاری آمده است و همچنین در آیات قرآن کریم نیز اشاراتی به آن شده است. از جمله آیات معروف می‌توان به آیه ولایت^۱، آیه اکمال^۲، آیه تبلیغ^۳ اشاره کرد. در پژوهش فوق تفسیر چهار آیه از ابن شهر آشوب مازندرانی از نظر گذرانده که مفسران متعددی معتقدند منظور از عبارت قرآنی و آن فضایل، ویژگی‌های جانشینی پیامبر (ص) و بویژه امام علی (ع) است. اهمیت صورت در نگاره‌های شیعی، از این امر نیز ناشی می‌گردد که تنها راه مواجهه با یک اثر هنری، از طریق صورت اثر است و هرگونه فهم و تفسیر اثر هنری و دستیابی به محتوای آن، تنها از طریق مطالعه صورت اثر، امکان پذیر می‌شود. به‌طور کلی، جنبه صوری یک اثر هنری، یا همان چگونگی یا شکل ظاهری اثر، اطلاعات بسیار مهمی در اختیار بیننده می‌گذارد. نگارگر شیعه مسلک برای به بند کشیدن معنی و محتوای عمیق و معنوی مضامین خویش و بیان بعد معنوی و جنبه قدسی و کمال باطنی شخصیت‌های مقدس شیعه، برای اثر خود، صورتی اختیار می‌کند که متناسب با چنین معنی و محتوایی باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۶). از اینرو با نگاهی به چند نسخه مصور این واقعه رو از منظر نگارگر شیعی مشاهده و بررسی می‌کنیم.

توجه درباریان صفوی به مضامین شیعی مسبب رشد مصورسازی نسخ متعددی شد که موضوعاتی دینی را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال: مدح انبیا بر اساس قول قرآن کریم و یا زندگی و سیره اولیا مبتنی بر روایات اسلامی، تاریخ اسلام و وقایع گوناگون آن و مباحث معنوی اعم از عرفانی و اخلاقی (شایسته‌فر، ۱۳۹۹: ۲۲). از جمله نسخ مصور که دارای این واقعه هست می‌توان به کتاب آثار الباقیه در قرن ۸ هجری متعلق به دوران ایلخانی اشاره کرد. این نسخه به دستور حاکم شیعه مذهب؛ الجایتو کتابت شده است و به زبان عربی و در بردارنده موضوعات تاریخی و نجومی است. در نسخ فوق چند تصویر از وقایع مهم و تاریخی از حضرت محمد (ص) وجود دارد که یکی از آن‌ها روایتی ساده از واقعه معرفی حضرت علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر (ص) است.

۱- آیه ۵۵ سوره مائده^۱

۲- آیه ۳ سوره مائده^۲

۳- آیه ۶۷ سوره مائده^۳



تصویر یک: نگاره غدیر خم، نسخه الآثارالباقیه بیرونی، سال ۷۰۷ هجری، کتابخانه دانشگاه ادینبرو انگلستان.

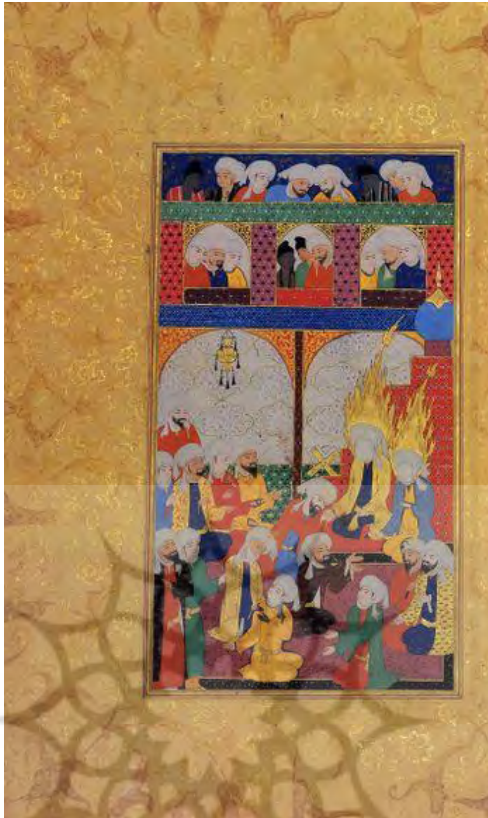
تصویر (۱) اگرچه شخصیت‌های اصلی نگاره، پیامبر (ص) و پیشوای اول شیعیان هستند، ولی به شکلی عادی و واقع نمایانه به تصویر درآمده‌اند که نمی‌تواند منعکس‌کننده جایگاه قدسی و والای آن‌ها در نزد شیعیان باشد. آنچه در این تصویر بیشتر نمود آشکار دارد، اصل وقوع این رخداد است و نشانه‌ها و نمادهای ویژه‌ای برای نشان دادن جنبه‌های قدسی این واقعه، آن چنان که شیعیان به آن نگاه می‌کنند، دیده نمی‌شود و نشانه‌ها و تمهیداتی که بیانگر این رخداد عظیم و اعالم الهی جانشینی علی (ع) باشد، در نگاره وجود ندارد. نگاره سویه‌ای روایی دارد و جلوه خاصی از پردازش‌های نمادین در جهت تفسیر و تعبیر شیعی این واقعه به کار برده نشده است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵). در این نگاره پیامبر (ص) و علی (ع) به همراه سه نفر دیگر به تصویر آمده‌اند نگارگر که متأثر از اسلوب چینی دوران ایلخانی هست، فضایی فراخ با عناصر چینی جهت نشان دادن این واقعه انتخاب کرده است و آنچه موجب تمایز شخصیت‌ها شده است قد حضرت علی (ع) است. به نوعی هنرمند که آگاه به فضایل علی (ع) است خواسته او را در موقعیتی ویژه قرار دهد تا تأکیدی بر فضایل و ویژگی‌های عصمت و امامت جانشین پیامبر (ص) باشد. همان‌طور که ابن شهر آشوب هم در تفاسیر خود تأکید دارد ویژگی‌های گفته شده در آیات منتخب، اشاره به علی (ع) دارد و البته در برخی روایات علی (ع) به عنوان ارشد مومنین صالح، در داشتن این فضایل شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد این نگاره می‌تواند بر این رویداد تاریخی صحنه بگذارد. ترسیم محیطی

دوستانه در این نگاره بین افرادی موجود، می‌تواند گویای بیان آرام و بدون خشونت مسئله جانشینی علی (ع) باشد.



تصویر ۲: نگاره غدیر خم، نسخه احسن الکبار قرن ۱۶ میلادی، دوره صفوی، کاخ گلستان.

تصویر ۲ متعلق به نسخه احسن الکبار در قرن ده هجری است. در مرکز نگاره، حضرت (محمد (ص) و علی (ع) بر بالای جهاز شتران قرار گرفته اند و پیامبر (ص)، علی (ع) را در آغوش رفته و دست او بلند نمود است. هر دو بزرگوار با هاله‌های نورانی و روبند چهره مصور شده‌اند. برخلاف نمونه‌های دیگر از تصویرسازی واقعه غدیر خم، در این نگاره، اهمیت و شکوه واقعه‌ی غدیر به روشنی نمایان است. قرار گرفتن حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) در کنار یکدیگر و در مرکز تصویر با شعله‌های نورانی دور سر، چهره و پیکر تقریباً یکسان و احاطه آن‌ها توسط گروه کثیری از مردم، از جمله تمهیدات تصویری است که این نگاره را از سایر نگاره‌های غدیر خم متمایز می‌گرداند. هنرمند توانسته اهمیت واقعه غدیر را به خوبی به تصویر در آورد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶، ۲۴). این نگاره با این روایات ابن شهر آشوب تطابق داد. «ألستم تزعمون أنی أولی بکم من أنفسکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله، قال: فمن كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله». فقال حسان بن ثابت الأنصاری: یا رسول الله أتأذن لی أن أقول أبیاتا؟ قال: قل علی بركة الله تعالی، فقال حسان أبیاتا منها: ینادیهم یوم الغدیر نبیهم * بخم وأسمع بالنبی منادیا إلی أن قال: فقال له قم یا علی فإنی * رضیتک من بعدی إماما وهادیا هناك دعا اللهم وال ولیه * وکن للذی عادی علیا معادیا (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۴۸۴/۱). این نگاره با روایات منقول از ابن شهر آشوب تطابق کاملی دارد، آنجاکه به برتری علی (ع) در آن جمع اذعان کرده است.



تصویر ۳: بیعت با امام علی (ع)، کتاب حبیب السیر، غیاث‌الدین خواندمیر، قرن نهم، کتابخانه موزه کاخ گلستان، تهران.

تصویر (۳) نگاره دیگری از واقعه امامت و ولایت است که در کتاب حبیب السیر در قرن ده هجری به دست غیاث‌الدین خواندمیر مصور سازی شده است. در تصویر که پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) مقابل جمعی در مسجدالنبی نشسته‌اند و شعله‌های نورانی بالای سرشان آن‌ها را گویی از جهت تقدس متمایز از دیگر اشخاص جمع نشان داده است. در تصویر فوق نگارگر جزییات تصویری بیشتری را در راستای اهمیت روایت و همچنین ویژگی‌های پیامبر (ص) و علی (ع) به نمایش گذاشته است. به عنوان مثال پیامبر در مقام والاتر و پیکره بزرگتری مصور شده است و یاران وی در کمال ادب و احترام توجه خویش را به سوی پیامبر جلب کرده‌اند. شخصی در حال بوسیدن دست پیامبر (ص) و شخصی دیگر در حال دست دادن و یا به عبارتی بیعت کردن با علی (ع) است.

در جزییات این تصویر آورده‌اند که: مقام ولایت کبری هنوز با پیامبر (ص) است و دست دادن با علی (ع) به معنای بیعت با ایشان به عنوان ولایت صغری است. از نظر نمادین، نکته جالب، طلایی بودن لباس پیامبر (ص) است در حالی که در مورد حضرت علی (ع)، فقط کمربندشان طلایی است. شاید به این دلیل باشد که علی (ع) هنوز به مقاوم ولایت بری نرسیده است (شایسته‌فر، ۱۳۹۹: ۲۷).



تصویر ۴: واقعه غدیر خم، فالنامه. دوره صفوی، موزه کاخ گلستان، تهران.

نسخه مصور دیگری که دارای نگاره واقعه غدیر خم است فالنامه‌ی متعلق به دوران صفوی و سال ۹۸۸-۹۹۸ هجری قمری است. این رویداد در فضایی سرسبز که همان منطقه غدیر خم است به نمایش درآمده است. نگارگر پیامبر (ص) را نشسته بر جهاز شتران به تصویر آورده و گویبی علی (ع) در کنار وی نشسته است اما پیکره او مشخص نیست و تنها سر علی (ع) را در کنار سر پیامبر (ص) می بینیم. در تفسیر این بخش از تصویر «شیعیان، روایت‌های متعددی نقل می‌نمایند، تا برابری شخصیت معنوی حضرت علی (ع) با پیامبر اسلام (ص) را نشان دهند؛ مانند این مورد که «پیامبر (ص) فرمود: من و علی از یک نور آفریده شده‌ایم» (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۳۵).

نگارگر برای بازنمایی چنین دیدگاهی، دو سر را برای یک بدن در نظر گرفته و بدین شکل، روایتی شیعی از واقعه غدیر را به تصویر در آورده است» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۰۲). می توان گفت نگارگر شیعه در تلاش بوده است بر اهمیت این رویداد بیافزاید و با ابتکار در ترکیب‌بندی نگاره توجه ببیننده را به تلاقی سر و هاله‌ی پیامبر و علی (ع) جلب کرده و به شیوه‌ی خود بر سخن پیامبر (ص) تاکید داشته است. «چرا که پیامبر (ص) با بیان این سخنان به امت خویش متذکر گشت که او و علی (ع) از هم جدا نبوده و پذیرش یکی در معنای تسلیم در برابر دیگری است» (شایسته‌فر، ۱۳۹۹: ۳۰). چهره‌ی دارای هاله نور و نزدیکی پیامبر (ص) و علی (ع) در این نگاره‌ها می‌تواند ترسیم نسب علی و اهل بیت بودن او باشد که ابن شهر آشوب نیز به آن اذعان دارد. بنابراین ابن شهر آشوب با بیان این نوع از موارد صحت و سقم روایات را کاملاً بیان می‌کند. همچنین در ذکر مثال دیگر اینکه ابن شهر آشوب در ذیل آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) (الأحزاب: ۳۳) می‌فرماید: مفسرین

و محدثین، اجماع دارند که این آیه در مورد اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۸/۵۴۴). با این تفاسیر می‌توان گفت نگاره‌های ایرانی دوره صفوی با روایات ابن شهر آشوب انطباق کاملی دارد.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده در تفسیر چهار آیه منتخب از قرآن کریم که مشخصاً مرتبط به واقعه غدیر خم و ویژگی‌های جانشینی پیامبر (ص) است، نظرات ابن شهر آشوب مازندرانی مورد پژوهش قرار گرفت و در انطباق واقعه غدیر خم با روایات و تفاسیر آیات از منظر ابن شهر آشوب نتایج ذیل حاصل شد که ابن شهر آشوب، در تعدادی از موارد سند را به صورت کامل نقل می‌کند اما در مواردی هم وجود دارد که ایشان فقط قسمت پایانی روایات را مورد توجه قرار داده است. ابن شهر آشوب در مواردی به دلیل اهمیت موضوع، اگر چه سلسله سندی را ذکر نکرده است اما از افراد دیگر به غیر از گرایش مذهبی خود پرداخته است و نام آن‌ها را ذکر می‌کند. ابن شهر آشوب در ارتباط با بعضی از روایات خود اشاره به روایت با مقصود صحیح، از ائمه معصومین (علیهم السلام) داشته است. آنچه در متن پژوهش گذشت تفسیر چهار آیه منتخب در تفسیرالمتشابه بود که ابن آشوب طبق روایات و سندها، صاحب آن فضایل را شخص حضرت علی (ع) می‌داند و به عبارتی صفات خاصی امامت و ولایت را از نظر می‌گذراند. صفات ذکر شده در آیات و تفسیرشان مؤمن صالح و فضیلت انفاق در همه حالت و عصمت ولی و امام و نیز امر تبلیغ دین و پیام الهی است. همواره در شرح احادیث و روایات ثابت شده این صفات مختص امامان معصوم (اهل بیت) و پیامبر (ص) هستند که از سوی خداوند معصوم می‌باشند. اگرچه آیات دیگری نیز هست که میتوان به آن اشاره کرد که منحصر در رابطه با ولایت امام علی (ع) است مانند آیه ولایت و اکمال در سوره مائده. با نگاهی به نسخ مصور و چند نگاره واقعه غدیر خم، می‌توان دریافت که نگارگران شیعی عموماً اصل رویداد یعنی معرفی امام علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر (ص) را به تصویر در آورده اند و سعی داشته اند با تاکید بر یک رویداد دینی ارتباطی میان صورت و محتوا بیابد. نقاش با استفاده بزرگ‌مایی در پیکره و جایگاه پیامبر (ص) و علی (ع) به مقام آن‌ها اشاره کند و هم‌چنین داشتن هاله نورانی سرها خود مبین تقدس و عصمت این دو شخصیت است. آنچه واضح است این است که نگارگر بی‌شک دریافت محتوای خود را از واقعه به شکلی سنجیده به نمایش گذاشته و از عناصر بصری به جهت بیان ارتباط محتوا و تصویر بهره برده است.

منابع

قرآن الکریم.

- امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷). الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ چهارم.
- بحرانی، هاشم (بی تا)، بن سلیمان، غایه المرام، تحقیق: سید علی عاشور، بی جا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه-قم، تهران، بنیاد بعثت.
- بینیون، لورنس و ویلکینسون، ج.و.س. و گری، بازل (۱۳۶۷)، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه: محمد ایرانمنش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۷)، نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز، چ ۷، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- الخوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم الرجال الحدیث، بی جا، مرکز النشر الثقافه الاسلامیه.
- الکوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامی.
- رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه، ۱۳۸۰ق، چاپ اول.
- زکی، محمدحسن (۱۳۶۳)، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه: محمدعلی خلیلی، چاپ دوم، تهران: اقبال.
- زرین ایل، مهدی، کارگر جهرمی (۱۳۹۱)، "نگارگری ایران در دوران تیموری (عصر طلایی نگارگری ایران)، تاریخ نو، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۷۷.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا، کیانی، زهره (۱۳۹۳)، "نقد آرای عثمان خمیس در کتاب نگرشی نو به تاریخ صدر اسلام در پندارانگاری واقعه غدیر، پژوهشنامه علوی، شماره ۹، صص ۱۹-۴۶.
- حسینی، سیدجواد (۱۳۸۲)، "واقعه غدیر"، مبلغان، شماره ۵۰، صص ۱۹-۳۱.
- سردبیر (۱۳۸۷)، "نگارگری ایرانی"، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۶، صص ۱-۳.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴)، هنر شیعی، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۹۹)، روایت غدیر خم و اشارات عرفانی در آثار نگارگری دوره صفویه، فصلنامه علمی عرفان اسلامی، ۱۳۹۹، شماره ۶۳.

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، الصدوق (۱۴۰۳)، الخصال، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر الغفاری، قم، جماعة المدرسين.

طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار لدرر اخبار الأئمه الأطهار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مهدی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۶)، "بررسی روند تجلی مضامین شیعی در نگارگری ایران"، دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره شش.

مهدی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۸)، "تبیین شاخصه‌های اصلی شکلی و محتوایی نگاره‌های شیعی بر اساس مبانی اعتقادی شیعه"، شماره ۲.

نعمتی قزوینی، جدید، لیلا (۱۳۹۸)، "بازخوانی واقعه غدیر خم در دو غدیریه احمد محمدالشامی و ادیب اللممالک فراهانی"، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۳۴، صص ۱۰۷-۱۲۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی